

نویسندگان: رابرت گینس (R. Gaines) و سكات هورتن (S.Horten)
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2019-03-06» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

هیچ دلیل بشردوستانه برای جنگ افغانستان وجود ندارد

There is No Humanitarian Reason for the Afghanistan War

هفده سال تلاش ما برای کمک به رنج، بدبختی
و یک دولت وحشیانه در افغانستان منجر شده است .

*Seventeen years on, our attempts to help have led to suffering,
misery, and a barbaric Afghan state*



{تفنگداران دریایی از شرکت (Brav o) ، گردان 1، تفنگدارهفتم دریایی ، در روی زمین برای بارگیری بر روی هلیکوپتر (Super-Stallion CH-53E) در طی یک مأموریت در ولایت هلمند، افغانستان، (2014 ژوئیه 4) (عکس شرکت سپاه پاسداران ایالات متحده توسط پلیس جوزف اسکلان / منتشر شد}
دیگر هیچ مأموریت مناسب و درخور اهمیت به ایالات متحده امریکا در افغانستان

وجود ندارد، تلاش های غرب برای تعیین سرنوشت این کشور بی فایده است. اگرچه که مقامات مسول با چشم انداز محتاطانه ای موروئی خود به این نکته توجه داشته اند که پایان دادن به اشغال در این کشور ممکن تمام آن دستاوردهای بدست آورده شده توسط غیرنظامیان افغان از بین خواهد رفت؛ و دور کردن یا صرف نظر کردن از خواسته های مبنی بر نگرانی های بشردوستانه در گوش امریکایی ها طنین خواهد افکند از اینکه افغان ها به نسبت این جنگ وحشتناک رنج می برند. توجیه مفروضانه و یا گمانه زنی بشر دوستانه راه را برای نادیده گرفتن مداخلات و درگیری های بین المللی و بمباران هوایی طولانی مدت ما به ارمان آورده است حالانکه رییس جمهور و قاطبه مردم امریکا هر دو به این جنگ باور ندارند.

درخواست تجدید نظر در سطح و میزان بزرگ در ادعای ارتقای خوشبختی کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه ما نند افغانستان وجود دارد. اکثر چیزهای با ارزش غربی مانند دسترسی به تحصیلات و حقوق قانونی مساوی برای هر دو جنس باید مد نظر باشد، حالانکه برگزاری و یا روبراه کردن پیشرفت در مناطقی که در بالاترین قله ها قرار دارند برای توجیه اشغال نامحدود، میزان گستردگی ما موریت خلع سلاح و نادیده گرفتن آن عمق نادانی و نابخردگی نیروهای دیپلماتیک را بیان میکند.

انکشاف و یا پیشتازاندن یا مهندسی کردن فرهنگ قبیله ای پشتون و آزاد کردن و یا بیرون آوردن زنان از عقب پرده و یا حجاب فراتر از توانایی های نظامی و کمک های به اصطلاح بشردوستانه ایالات متحده امریکا است بخصوص در مناطقی که ایده های غربی یا ارزش های غرب از آموزش و پرورش بطور ظاهری کاسته و یا برداشته شده است. این آمار نشان میدهد که پیشرفت و انکشاف بسیار زیاد متضاد است؛ مثلاً نام نویسی و یا ثبت نام بین منابع دولتی افغانستان از هم بسیار متفاوت است؛ و طبق گزارش بازریس کل انکشاف افغانستان (سیگار) در سال (2015) مبلغ معادل (769) میلیون دلار به «مکاتب شب» یا به مکتبهای خیالی تخصیص داده شده است. بالفرض و یا حتی که اگر پیشرفت و یا انکشاف اجتماعی چگونه افزایشی و تکاملی نیز صورت گرفته باشد؛ این موضوع تحت تاثیر صریح حقوق بشر توسط اداره امنیت ملی و حضور مجرمان جنگ در دولت افغانستان قرار گرفته است. که این خودنگرا کننده است.

حمایت امریکا از دولت وحدت ملی، بیشتر مشروعیت هر نوع نگرانی را در مورد رفاه مردم افغانستان تضعیف می کند، صدای سوگوارانه یا تضرع مابانه ای برقراری به مذاکرات دوجانبه بدون اشتراک و یا به نسبت بی اعتبار بودن دولت وحدت ملی بین ایالات متحده و طالبان که اکنون دوام دارد و چنین گفته میشود که مذاکره کنندگان به حکومت ایالات متحده امریکا مشکوک شده اند و اما برای اینکه این اتفاق افتاد، کابل

ابتدا با یستی یک کمی مشروعیت داشته باشد؛ اما همکاران به نیروهای اشغالگر مشتریان ایده آل برای ایالات متحده امریکا هستند، اما به مردم افغانستان، دولت کابل نماینده یک اقلیت آدم کش و قاتل و سلطنتی است که برخی از دولت مردان این دولت یکی از بدترین و منفورترین شخصیت های تاریخ معاصر افغانستان هستند. در کشوری با جمعیت (42) درصد پشتون، یک حکومت از اقلیت های قومی، مانع اولیه برای نمایندگی از کارکرد دموکراسی است، یعنی که این خود مانع تحقق دموکراسی است، با توجه به تاریخ کشمکش های قومی و اختلافات قبیله ای در این کشور با این وجود ناراحتی بیشتر نسبت به عدم تقارن قومی ارقامی است از اینکه کسانی در دولت وحدت ملی بقدرت رسیده و یا براریکه قدرت و دولتمداری تکیه زده اند مثلاً فرماندهان شبهه نظامی ها محکوم به جرم و جنایات جنگی که بیشتر مشهور و سرزبانها اند مانند **عبدالرشید دوستم** معاون نخست رئیس جمهور که کنون از قدرت کناره گیر شده و در تحت حمایت ایالات متحده امریکا قرار دارد، **گلبین حکمتیار** یکی از متحدان نزدیک (سی آی ای) و جنگجوی متخاصم که اکنون برای مقام ریاست جمهوری در دور انتخابات آینده ریاست جمهوری افغانستان خود را نامزد کرده است کسیکه از سوی **اشرف غنی** «رئیس جمهور بخشیده شده است»، **امرالله صالح** سابق رئیس امنیت و قبلاً معاون **احمد شاه مسعود** جنگجوی وحشی و بیرحم تاجک و جاسوس مضعاف (دو طرفه)؛ که کنون خود را بعنوان معاون اول رئیس جمهور غنی در انتخابات آینده نامزد نموده است.

اگر باز هم حکومت فعلی یا رژیم کنونی کابل به اندازه کافی متناقض و منفور نباشد اما لازم دیده میشود که به بربریت نیروهای امنیتی ملی مربوط به دولت افغانستان نگاه کرد خوشبختانه طالبان از اینکه باب مذاکره را حتی با ایالات متحده حتی با میراث شغلی جنایات و سوءاستفاده آنها موافقت می کنند. و از سوی هم در هیچ یک از موارد فوق به دنبال نابودی طالبان از وحشیگری آنها تذکری بعمل آورده نمیشود، اما حداقل باید که ایالات متحده اذعان کند که در هر زمینه دیگری، دولت وحدت ملی را باید به نسبت به بررسی از تخطی های خودش و دیگران به محکمه لاهه معرفی کند.

چنین به نظر میرسد که ایده تسلیمی و شکست درخفا به بن بست مواجهه شده است، اهداف اعلام شده دولت مبنی بر اجرای عملیات های آزاد در اولین سال جنگ جا مه عمل پوشید و یا که انجام شد؛ معماران و یا عاملان اصلی حملات رخداد یازدهم ماه سپتمبر سال (2001) مرده و یا که زندانی اند و مشکل به نظر می آید که ایشان در ارتباط به مشارکت شان با شبهه نظامیان محلی در قلمرو خود و یا در جای دورتر به سمت دیگر این سیاره متعهد شده باشند که در این زمینه اکنون تسلیم شوند و یا بر اشتراک خود مهر تایید گذارند.

برخلاف اغلب نظریه ها؛ خروج فوری نیروها از افغانستان یکی از گزینه های صرفه

جویی در مصارفات نظامی است که از چندین جهت به پیش روی آمریکا گذاشته شده است، باقی ماندن آمریکا در اینجا بر پایه پیشبینی‌های عجیبی فقط موقوف ما را در چشم دوستان و دشمنان ما بطور یکسان کاهش میدهد.

تنها راهی که برای تعادل در افغانستان وجود دارد ویا که باید وجود داشته باشد همانا عدم تحمیل اجندای بیرونی است؛ یعنی که نباید دستور ویا برنامه‌ها از بیرون بر افغانستان تحمیل شود؛ حتی با قبول فاصله زمانی مناسب مبنی بر کاهش تدریجی نیروها که این خود نیز تضمین نمیشود که طالبان بار دیگر به قدرت در افغانستان نرسند پس در اینصورت ایالات متحده آمریکا با حمایت از جنگجویان یعنی از همان جنگ سالاران که با راول بخاطر بیجا شدن طالبان برای آمریکا راه شرارت و فساد را هموار کردند، احتمال بیشتری برای واکنش دیگری در دور بعد از اشغال را افزایش داده است. لازم به تذکر است و آن اینکه طالبان در مناطق پشتون نشین تحت تصرف خود همین اکنون بگونه با لفظ (دیفکتو) عمل میکنند با وجودی هر چند استقلال سیاسی بیشتر در این منطقه؛ امنیت ملی آمریکا را تهدید نمیکند. اما در اینجا دلیلی توأم با شک و تردید وجود دارد و آن اینکه طالبان شاید بعد از خارج شدن نیروهای آمریکایی از افغانستان، بقیه نیروهای ملی این کشور را با زور و تحمیل فشار در تحت تصرف خود در خواهند آورد و این با ربرخلاف دوره دهه (1990) طالبان آنچه را که دوستان پاکستانی‌شان از آنها درخواست خواهد کرد مورد پذیرش طالبان قرار نخواهد گرفت یعنی که از نیاز پاکستان حمایت بعمل خواهند آورد.

هم اکنون کمتر از هر زمان دیگری این احتمال وجود دارد که بخش‌های از افغانستان که در تحت تصرف طالبان است برای تروریستان به یک پناهگاه امن تبدیل شود، زیرا این گروه در سخنرانی و اعمال خود نشان داده اند که آنها دیگر حضور گروه‌های خارجی را تحمل نخواهند کرد.

خروج نیروهای ایالات متحده از افغانستان به معنای تسلیم نیست؛ این بدان معنی است که قبل از اشغال این کشور، واقعیت‌ها همه واقعی و غیر قابل تغییر پیش از اشغال بوده اند. اکنون زمان برای راه حل آمریکایی‌ها گذشته ویا سپری شده است؛ حال زمان برای خود مردم افغانستان است که مسیر زندگی خود را خود تعیین کنند.

چند سطر در مورد نویسندگان این مقاله :

رابرت گینس یک استاد فناوری اطلاعات حرفه‌ای ویک جانباز از مدت (10) سال نیروی هوایی ایالات متحده و گارد ملی هوا است. او با ایالات متحده و نیروهای ائتلاف در عراق و افغانستان به عنوان عضو ارتبای طی تعبیه شده برای عملیات زمینی خدمت

کرده است. **اسکات هورتون** مدیر تحریریه Antiwar.com، میزبان رادیوی ضد جنگ در (KPFK 90.7) در لس آنجلس، مدیر موسسه (Libertarian) و نویسنده کتاب (فریب ارباب): زمان پایان دادن به جنگ در افغانستان است.

----- **با سلام ها « 2019-03-11 »**